



تاییدیه هیات داوران

ب



دانشگاه شمال
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته فقه و حقوق جزا

عنوان پایان نامه:

شرط انتفای اُبوت در قصاص و امکان سنجی الحاق مادر به پدر
در حقوق کیفری و فقه فریقین

استاد راهنما:

دکتر یوسف نورایی

استاد مشاور:

دکتر داود قاسمی

نگارش:

ملیکه قدیر

تابستان ۹۶

تقدیر و تشکر:

«و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه»

شکر و سپاس خدای را که بزرگترین امید و یاور در لحظه لحظه زندگیست.

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از زحمات اساتید محترم راهنما و مشاور این پایان نامه، آقایان دکتر یوسف نورایی و دکتر داود قاسمی، که همواره در طول انجام این تحقیق مرا از راهنماییهای ارزشمند خود بهره‌مند نمودند و همچنین در طول دو سال تحصیل از ایشان بهره‌های وافیه و کافی نصیب بنده گشت.

همچنین از استاد داور جناب آقای دکتر نبی‌پور که با دیده اغماض به نقایص تحقیق نگریستند سپاسگزاری می‌نمایم.

تشکر و سپاس از اساتید گرانقدر گروه فقه و حقوق دانشگاه شمال که از محضر پر فیض تدریستان، بهره‌ها برده‌ام.

در خاتمه از تمامی دوستانی که به نوعی در انجام این تحقیق بنده را یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

تقدیم به مهربان فرشتگانی که:

لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های

یکتا و زیبای زندگیم، مدیون حضور سبز آنهاست...

تقدیم به خانواده عزیزم...

و تقدیم به تشنگان و جویندگان حقیقی دانش و معرفت.

و همچنین تقدیم به همه شهدا به ویژه برادر عزیزم شهید امان الله قدیر که در راه اسلام و وطن به خدا

پیوستند و آسمانی شدند.

باشد که روزی در حضورشان سربلند باشیم...

چکیده

بر اساس فقه شیعه، پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند قصاص نمی شوند؛ اما مادر چنین حکمی ندارد. فقهای اهل سنت با تمسک به استحسان، این حکم را شامل مادر نیز دانسته اند. بررسی ادله این حکم نشان می دهد که امکان اثبات این حکم برای مادر وجود دارد و از نظر حقوقی نیز باید راهکارهایی را در این زمینه تعیین نمود، فقهای شیعه تقریباً اتفاق نظر دارند که اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را عمداً بکشد، قصاص نمی شود؛ اما این حکم در مورد مادر و سایر اقوام مقتول وجود ندارد؛ مرحوم علامه حلی می گوید: «پدر اگر فرزندش را بکشد قصاص نمی شود. اما فرزند اگر پدرش را بکشد قصاص می شود. همچنین مادر اگر فرزندش را بکشد قصاص می شود و بقیه خویشاوندان مانند اجداد، جدات مادری، برادران، خواهران، عموها، عمه ها، خاله ها و دایی ها قصاص می شوند، مهم ترین دلایلی که برای عدم معافیت مادر در صورت قتل فرزند برشمرده شده است به شرح زیر می باشد: مجازات قتل عمد، قصاص است و موارد معافیت از قصاص در منابع شرعی و قانونی تصریح شده است. بنابراین اگر در موردی دلیل خاصی برای استثنا کردن شخصی وجود نداشته باشد، باید به حکم عام قصاص عمل کرد که در مورد مادر هم دلیل خاصی وجود ندارد و مشمول مقررات عمومی قصاص می شود، روایات شرعی که پدر را استثنا کرده اند، قابل تسری به مادر نمی باشند؛ زیرا پاره ای از آنها واژه «والد» را به کار برده اند و این واژه ظهور در پدر دارد.

واژگان کلیدی: ابوت، قصاص، فقه فریقین، حقوق کیفری، مادر، پدر

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	بیان مسئله.....
۳	ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۳	هدف تحقیق.....
۳	سئوالات تحقیق.....
۳	فرضیات تحقیق.....
۴	روش تحقیق.....
۵	فصل اول تعاریف و مفاهیم
۶	۱-۱) تعریف قتل و انواع آن.....
۶	۱-۱-۱) قتل عمدی.....
۸	۱-۱-۱) قتل شبه عمد.....
۹	۱-۱-۱) قتل خطای محض.....
۱۰	۲-۱) پدر و جد پدری چه کسانی هستند؟.....
۱۰	۱-۲-۱) پدر کیست؟.....
۱۰	۲-۲-۱) جد پدری کیست؟.....
۱۱	۳-۱) تعریف قصاص.....
۱۱	۱-۳-۱) شرایط قصاص.....
۱۱	۲-۳-۱) قصاص حق است یا حکم.....
۱۲	۳-۳-۱) تعریف معافیت.....
۱۳	۴-۳-۱) انتفاء ابوت.....
۱۴	۵-۳-۱) منتفی بودن پدر.....
۱۵	۶-۳-۱) قتل فرزند حاصل از زنا.....
۱۶	۷-۳-۱) قتل فرزند رضاعی.....
۱۶	۸-۳-۱) قتل فرزند حاصل از لقاح مصنوعی.....
۱۸	فصل دوم بررسی فقهی و حقوقی معافیت پدر از قصاص
۱۹	۱-۲) بررسی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند در حقوق ایران.....
۱۹	۱-۱-۲) تعریف و عناصر مشکله قتل عمدی فرزند توسط پدر.....
۱۹	۱-۱-۲) عنصر قانونی.....

- ۱۹..... عنصر مادی (۲-۱-۱-۲)
- ۲۱..... عنصر معنوی (۳-۱-۱-۲)
- ۲۲..... مبانی معافیت مجازات پدر در قانون مجازات اسلامی (۲-۱-۲)
- ۲۲..... فلسفه حکم فرزندکشی از منظر موافقین عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند (۱-۲-۱-۲)
- ۲۵..... مطالعه تطبیقی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند (۳-۱-۲)
- ۲۷..... بررسی فقهی معافیت پدر با شرط انتفای ابوت از قصاص در قتل عمدی فرزند (۲-۲)
- ۲۷..... عدم قصاص پدر به قتل عمدی فرزند در فقه امامیه (۱-۲-۲)
- ۲۷..... آیات مربوط به مذمت قتل عمدی فرزند توسط پدر در قرآن کریم (۱-۱-۲-۲)
- ۲۸..... ادله فقهی حکم عدم قصاص پدر در قتل عمدی فرزند (۲-۲-۲)
- ۳۲..... معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند در فقه عامه (۲-۲-۲)
- ۳۲..... رویکرد موافق (۱-۲-۲-۲)
- ۳۴..... رویکرد مخالف (۲-۲-۲-۲)
- فصل سوم امکان سنجی الحاق مادر و جد پدری به حکم عدم قصاص پدر** (۳-۳)
- ۳۶..... الحاق یا عدم الحاق مادر (۱-۳)
- ۳۶..... الحاق یا عدم الحاق مادر در فقه (۱-۱-۳)
- ۳۶..... الحاق یا عدم الحاق مادر در فقه امامیه (۱-۱-۱-۳)
- ۳۷..... الحاق یا عدم الحاق مادر در فقه عامه (۲-۱-۱-۳)
- ۳۷..... ادله ممنوعیت قصاص مادر به قتل فرزند در میان فقها اهل سنت (۲-۱-۳)
- ۳۸..... مجازات مادر در قتل فرزند از منظر قانون (۲-۳)
- ۳۹..... الحاق یا عدم الحاق جد پدری به حکم عدم قصاص پدر (۳-۳)
- ۳۹..... الحاق یا عدم الحاق جد پدری در فقه امامیه (۱-۳-۳)
- ۳۹..... الحاق یا عدم الحاق جد پدری در فقه عامه (۲-۳-۳)
- فصل چهارم مبانی جرم شناختی معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند** (۴-۴)
- ۴۱..... بررسی علل قتل فرزندان (۱-۴)
- ۴۱..... علل اقتصادی و اجتماعی (۱-۱-۴)
- ۴۱..... علل اقتصادی (۱-۱-۱-۴)
- ۴۳..... علل اجتماعی (۲-۱-۱-۴)
- ۴۵..... علل ساختاری (۲-۱-۴)
- ۴۵..... تادیب و تنبیه (۱-۲-۱-۴)
- ۴۶..... سقط جنین (۲-۲-۱-۴)

۴۷	پیامدهای قتل عمدی فرزند توسط پدر.....
۴۷	نسبت به پدر..... (۱-۲-۴)
۴۸	نسبت به سایرین..... (۲-۲-۴)
۴۹	فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات.....
۵۰	نتیجه گیری..... (۱-۵)
۵۲	پیشنهادها..... (۲-۵)
۵۳	منابع.....

مقدمه

بیان مسئله

به استناد ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی « قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی‌علیه نباشد » معافیت پدر از قصاص یک حالت استثنایی است و بر خلاف عمومات قرآنی است که جان را در مقابل جان قصاص می‌نماید (آقای نی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶) بنابراین شماری بر این باورند که باید در موارد خلاف نص به قدر متیقن بسنده نمود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ص ۸۲) در نتیجه تسری حکم یاد شده به اقارب دیگر مقتول مانند مادر او دارای توجیه محکمی نیست. بنابراین در این دو حکم یعنی معافیت پدر از قصاص در جنایات عمدی و همچنین در عدم تسری حکم معافیت یاد شده به دیگر بستگان حتی مادر مقتول شماری از فقیهان ادعای اجماع نموده اند (نجفی، ۱۴۰۱، ق، ص ۱۵۹) این در حالی است که هم در فقه شیعه و هم فقه اهل سنت در مورد هر دو حکم مخالف دیده می‌شود. به عنوان نمونه از فقیهان اهل سنت، مالک، معافیت قصاص پدر در جنایات عمدی را نمی‌پذیرد (عوده، بی تا، ص ۱۱۷) و بر این باور است که تصور عمدی بودن جنایات در پدر جانی بعید است چون پدر حق تادیب فرزندش را دارد و ثانیاً شدت محبت پدر به فرزند عنصر معنوی را زایل می‌نماید (صادقی، ۱۳۹۳، ۲۱۸) از سوی دیگر برای عدم قصاص پدر به دلایلی مانند مهربانی و عطف و پدرانه و یا به روایاتی استناد نموده اند که به نظر می‌رسد دلیل محکمی برای عدم تسری حکم معافیت به مادر نباشد در این پایان نامه کوشش می‌شود تا ضمن تبیین ماده ۳۰۱ ق.م.ا درباره رابطه ابوت، به بررسی امکان تسری حکم معافیت به مادر نیز پرداخته شود. مثلاً می‌شود اینچنین گفت که اگر باید به قدر متیقن بسنده نمود چرا پدر پزرگ را هم در قانون و هم فقیهان به حکم پدر اضافه نموده اند در حالی که در روایات نامی از جد برده نشده است. (قدرتی، ۱۳۹۱، ص ۹۲) همچنین از قرار باشد به نص عمل شود در روایات مقتول را ابن نامیده پس علی القاعده نباید شامل دختر شود در حالی که تفاوتی در معافیت قصاص پدر میان مقتول پسر و دختر قایل نشده اند (شهید ثانی، ۱۳۷۸، ق، ص ۶۴) بدیهی است که چه درباره پدر و جد پدری به استناد ماده ۳۰۱ و ادعای اجماعی که در فقه شده و چه درباره مادر اگر معافیت از قصاص را بپذیریم، این صرفاً درباره قصاص معنا دارد و منافاتی با مجازات تعزیری و لزوم پرداخت دیه و مجازاتی مانند کفاره ندارد (صادقی، ۱۳۹۳، ۲۱۸).

ضرورت و اهمیت تحقیق

آنچه که یافته های جدید جرم شناسی آن را مورد تأکید قرار می دهد، حمایت ویژه از کودکان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر و در معرض خطر جامعه است.

از طرف دیگر منشأ قانون مجازات اسلامی ما که از فقه جعفری سرچشمه گرفته است در زمینه بحث قتل فرزندان توسط والدین موضع موجه علمی اتخاذ نموده است و این امر مساوی با کوبیدن پتک حقوق کودک بر سر ما به عنوان ناقضان حقوق کودک می باشد و همین خود می تواند ضرورت تحقیقی را در این زمینه توجیه نماید.

هدف تحقیق

هدف اصلی این پایان نامه بررسی و تبیین بهتر مواد قانونی واحکام فقهی و حقوقی بویژه ماده ۳۰۱ ق.م.ا و ارائه پیشنهاد به قانونگذار در اصلاح آن می باشد.

سؤالات تحقیق

در این نگاشته در پی پاسخ گویی به سئوالات ذیل می باشیم:

- ۱- مبانی فقهی حکم معافیت پدر از قصاص در جنایات عمدی چیست؟
- ۲- آیا ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی از مبنای محکم جرم شناختی برخوردار می باشد یا خیر؟
- ۳- آیا ادله عدم قصاص پدر موجب نفی هرگونه مجازاتی می گردد؟
- ۴- آیا امکان تسری حکم عدم قصاص پدر به مادر جانی نیز وجود دارد؟

فروضیات تحقیق

۱. به نظر می رسد روایات متعدد به همراه حکمتهای عقلی که در آنها نام برده می شود مانند لزوم رعایت مقام پدر و سبب بودن پدر در پیدایش فرزند، مهمترین مبانی فقهی عدم قصاص پدر باشد.
۲. ماده ۳۰۱ مجازات اسلامی صرف ترجمه متون فقهی است و لا غیر و بدلیل ایرادات جرم شناختی بر این ماده و همچنین به روز نبودن آن بدون شک مشکلات فراوانی را به همراه خواهد داشت.
۳. به نظر می رسد به استناد روایات و مواد قانون مجازات، صرفاً قصاص پدر نفی می گردد و مجازات هایی نظیر تعزیر و پرداخت دیه و کفاره جایگزین قصاص می گردد.
۴. به نظر می رسد دست کم از منظر اطلاق ادله روایی، امکان تسری حکم قصاص به مادر جانی نیز وجود دارد.

روش تحقیق

روش این تحقیق، روش تحلیل منطقی و استدلالی است. و روش اصلی گردآوری مطالب، روش کتابخانه ای است و همچنین استفاده از سایت های علمی - پژوهشی اینترنتی.

فصل اول

تعاریف و مفاهیم

۱-۱) تعریف قتل و انواع آن

۱-۱-۱) قتل عمدی

الف) تعریف قتل عمدی از منظر قانون

مهمترین جنایتی که نسبت به افراد صورت می‌گیرد قتل نفس است؛ در قانون مجازات اسلامی از قتل عمدی تعریفی به عمل نیامده است، بکه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

۱. هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.
۲. هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.
۳. هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.
۴. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

ب) تعریف قتل عمدی از منظر حقوقدانان

گروهی از حقوقدانان قتل عمد را اینگونه تعریف کرده‌اند: «سلب ارادی حیات از انسان زنده بوسیله انسان دیگر به طریق پیش بینی شده در قانون (سپهوند، ۱۳۸۱).

گروهی دیگر گفته‌اند: «قتل عمد، خارج ساختن روح انسان معصوم الدم به طور عمدی و بدون مجوز قانونی و شرعی است (رهامی، ۱۳۷۸).

گروهی دیگر از حقوقدانان می گویند: قتل عمدی، عبارتست از رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود (گلدوزیان، ۱۳۸۰).

همچنین عده ای دیگر در تعریف قتل عمدی می گویند «سلب غیر قانونی حیات با قصد ابتدایی یا تبعی بوسیله فعلی که بالمباشره یا بالتسبیب علیه شخص مورد حمله واقع شده است (صادقی، ۱۳۷۶).
همچنین عده ای دیگر نیز در تعریف قتل عمدی گفته اند: «قتل عمد آن است که فاعل متعمد در فعل عدوانی و قصد عدوانی باشد، اعم از اینکه با آلتی مرتکب شود که قتاله باشد یا نباشد (صالح ولیدی، ۱۳۷۴).

ج (تعریف قتل عمدی از منظر فقها

جرم قتل عمدی از نظر گروهی از فقها، اخراج نفس معصوم از روی عمد، تعریف شده است. البته با شرایط زیر: عمد محقق گردد با قصد قتل و ارتکاب فعل کشنده ولو اینکه این فعل نادراً کشنده باشد و با قصد ارتکاب فعل غالباً کشنده هر چند که قصد قتل را نکرده باشد و عمد می تواند بالمباشره باشد یا تسبیبی باشد (خمینی، ۱۳۸۳).

اکثر فقهاء منجمه مرحوم محقق حلی در مورد قتل موجب قصاص چنین گفته اند:

"وهو اذهاق النفس المعصومه المكافئه عمداً وعدواناً."

"خارج کردن جان محترم و برابر، از تن، عمداً و به ناحق (العاملی و شیروانی، ۱۳۸۰)

شرط دیگری که در برخی از تعاریف دیده می شود آن است که قاتل بدون اجازه قانونی مبادرت به قتل کند، شهیدثانی می فرماید: عمد محقق می شود با قصد قتل از سوی شخص بالغ و عاقل با وسیله ای که غالباً کشنده باشد. اگر قصد کند با وسیله ای که بندرت کشنده باشد و قتل هم روی دهد قصاص است یعنی قتل عمد است.

روح اله خمینی نیز قتل عمد را چنین تعریف کرده است:

"وهو اذهاق النفس المعصومه عمدامع الشرائط الاتیه"

"و آن بیرون کردن روح معصوم (محترم و محفوظ) از بدن انسان است عمداً با شرایطی که می آید"

عمد محض به قصد کشتن با آنچه که می کشد، ولو به بندرت و به قصد فعلی که غالباً به آن کشته می شود. اگر چه قصد قتل رابه آن ننماید تحقق پیدامی کند. عمد گاهی به مباشرت است و گاهی به تسبیب.

صاحب جواهر بعد از بیان شرایط قتل مستوجب قصاص می فرماید:

يتحقق العمد بقصد البالغ العاقل الى القتل، ظلماً بما تقتل غالباً بل ويقصده الضرب بما يقتل غالباً عالمابه وان لم يقصد القتل

لان القصد الى الفعل المزبور كالقصد الى الفعل "

"عمد تحقق پیدامی کند با قصد انسان بالغ عاقل به کشتن شخص، از روی ظلم و ستم (به ناحق) به وسیله ای که غالباً کشنده است. و تحقق پیدامی کند بقصد زدن با آنچه که غالباً کشنده است (بدون قصد قتل) از روی آگاهی. اگر چه قصد قتل نداشته باشد، زیرا قصد فعل (با وسیله ای که غالباً کشنده است) مانند قصد قتل (قصد کشتن) است.

د) تعریف قتل عمدی از منظر حقوق خارجی

در حقوق جزای انگلستان تعریف قتل عمد عبارت است از، کشتن غیر قانونی مخلوق عاقل، توسط شخصی که دارای عقل سالم و سن تشخیص است، با اندیشه سوء قبلی (چه این سبق تصمیم از سوی متهم تصریح گردد یا قانوناً استنباط شود)، بطوری که شخص مجروح یا مصدوم ظرف مدت یک سال و یک روز در اثر جراحت یا صدمه وارده فوت نماید (رمضانی و همکاران، ۱۳۸۲) اگر مرگ ظرف مدت یک سال و یک روز رخ ندهد، متهم مقصر به قتل عمد نخواهد بود، بلکه تنها مقصر به ارتکاب جرمی بموجب «قانون جرایم علیه اشخاص» و معمولاً مقصر به ایراد صدمه جسمانی شدید شناخته خواهد شد. این قاعده ابتدائاً برای حل مشکلات مربوط به سببیت ایجاد شد ولی با پیشرفتهای پزشکی این توجیه مردود شناخته شد و این قاعده بوسیله قانون اصلاح و قانون (یک سال و یک روز) مصوب ۱۹۹۶ نسخ شد (رمضانی و همکاران، ۱۳۸۲).

۱-۱-۲) قتل شبه عمد

الف) تعریف قتل شبه عمدی از نظر قانون

در ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود:

هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده را نداشته باشد، جز در مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد.

هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۳) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد؛ هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر این که تقصیر، نوعاً سبب وقوع جنایت نبوده باشد.

ب) تعریف قتل شبه عمدی از منظر حقوقدانان

گروهی از حقوقدانان راجع به قتل شبه‌عمدی می‌گویند: «اگر شبه‌عمد را تجزیه و تحلیل کنیم می‌بینیم که در این جرم نیز بلا تردید عنصر اراده وجود دارد، نهایت آنکه عمد و سوء نیت فقط در یکی از اجزای جرم است. مانند کسیکه برای تادیب می‌زند و آن ضربه منجر به مرگ مصروب می‌گردد (پاد، ۱۳۸۱)

با توجه به بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی و تعاریف ارائه شده از قتل شبه‌عمد میتوان آنرا را اینگونه تعریف کرد: قتل شبه‌عمد قتلی است که، در آن عملی که در مورد مقتول انجام می‌یابد آگاهانه است اما قصد قتل در میان نیست و عمل انجام یافته نیز کشنده نمی‌باشد و اتفاقاً موجب قتل می‌گردد.

ج) تعریف قتل شبه عمدی از منظر فقها

گروهی از فقها در تعریف قتل شبه عمد می گویند: « قتل شبه عمد عبارت است از اینکه، قاتل در فعل خود تعمد دارد و همچنین قصد وارد کردن آن فعل را بر مجنی علیه دارد ولی قصد قتل ندارد. مثلاً طبیب ضامن آنچه که در معالجه مریض تلف می کند است (العاملی، ۱۳۷۸).

گروهی می گویند: « شبه عمد آن است که قصد آن شخص را داشته باشد، اما قصد کشتن نداشته باشد و اتفاقاً کشته شود، مثل آنکه طفلی را برای تادیب به حدی که کشنده نباشد کتک بزنند و بمیرد (مجلسی، فاضل، ۱۳۸۲).

همچنین در صحیح حلی آمده است: « عمد آن است که آدمی چیزی را بخواهد و به آن نائل آید و خطا آن است که چیزی را بخواهد و به غیر از آنچه خواسته است دست یابد (حرعاملی، ۱۳۷۸).

در صحیح ابی العباس و زراره آمده است: «...و خطای شبه عمد آنستکه: (او را را هدف گرفته) و قصد وی را داشته، اما قصد کشتنش را ننموده است و با چیزی او را به قتل برساند که کشنده نیست ...

با توجه به تعاریف قتل شبه عمد از منظر فقها و حقوقدانان می توان آنرا اینگونه تعریف کرد: در قتل شبه عمد، قصد قتل وجود ندارد و عملی که در مورد مقتول انجام یافته آگاهانه است ولی کشنده نیست و اتفاقاً موجب قتل می گردد.

۱-۱-۳) قتل خطای محض

الف) تعریف قتل خطای محض از نظر قانون

ماده ۲۹۲_ جنایت در موارد زیر خطاء محض محسوب می شود:

۱. در حال خواب و بی هوشی و مانند آنها واقع شود.
 ۲. به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.
 ۳. جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آن که تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.
- تبصره_ در مورد بندهای (۱) و (۳) هرگاه مرتکب، آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می شود.

ب) تعریف قتل خطای محض از نظر حقوقدانان

یکی از مصادیق قتل و صدمات بدنی غیر عمدی، قتل یا جرح یا نقص عضو خطای محض است که در آن عمل ارادی مرتکب مطلقاً با سونیت نمی باشد، در واقع متهم نه در فعل و نه در نتیجه حاصله از آن، قصد و عمد مجرمانه ندارد. قتل خطای محض یا خطایی که در آن انسان به منزله آلت بی اراده عوامل طبیعی و پیش آمدهای قاهره می شود، نه در فعل و نه در نتیجه آن عمد ندارد، مرتکب خطایی هم نمی شود که به سبب آن قابل ملامت و مجازات باشد.

ج) تعریف قتل خطای محض از نظر فقها

در خصوص قتل خطای محض گروهی از فقها می گویند: «خطای محض آن است که قاتل هم در فعل و هم در قصد خود عمدی ندارد.»

در صحیحہ ابی العباس و زرارہ آمده است: «و خطای محض آنست که قصد چیز دیگری را داشته است، ولی اتفاقاً به وی اصابت نموده است.»

خطای محض آن است که قاتل در فعل و در قصدش نسبت به مجنی علیه عمدی نداشته باشد و لو اینکه قصد قتل نسبت به شخص دیگری را داشته باشد.

خطا آن است که قصد آن شخص را مطلقاً نداشته باشد و بر او بخورد و بکشد، مثل آنکه تیری بیاندازد و به آدمی بخورد و او را بکشد، یا پایش بلغزد و بر روی کسی بیفتد و او بمیرد.

۱-۲) پدر و جد پدری چه کسانی هستند؟

۱-۲-۱) پدر کیست؟

پدر در لغت به معنی مردی است که از او دیگری بوجود آمده است. از این عبارت می توان نتیجه گرفت که پدر خوانده را نمی توان، ملحق به عنوان پدر دانست و تمام اثرات و تبعات پدر بودن را در مورد او جاری ساخت؛ پدر (به کسر اول و فتح دوم) مردی که فرزند داشته باشد، سرپرست و بزرگتر خانواده (عمید، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸)؛ اب در عربی به معنای پدر و دارای معنای فرعی جد یا یکی از اجداد، عم یا یکی از اعمام، شوی، صاحب و برخی معانی دیگر است. این کلمه، یک واژه بسیار کهن سامی است (ابن رزاق، موسوی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۵)؛ شاید مهمترین مورد استعمال کلمه اب، ترکیب کنیه خواندن پدر با نام فرزند با پیشوند ابو) باشد که از شایع ترین روشهای تسمیه در زبان عربی است (ابن رزاق، موسوی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۶).

از این عبارات می توان نتیجه گرفت که، پدر به کسی می گویند، که فرزندی از خود به وجود آورده باشد، لذا پدر خوانده در صورت قتل فرزند خوانده اش نمی تواند از مجازات قصاص رهایی یابد.

۱-۲-۲) جد پدری کیست؟

جد در لغت به معنی قطع زمین و عظمت آمده از جمله در قرآن مجید در آیه ۷، سوره مبارکه جن، (حقا که مقام و عظمت پروردگار ما بالاست زنی و فرزندی برای خود نگرفته است.) در اصطلاح لغوی دو معنی دارد؛ پدر پدر و پدر

۱ «انه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبه و لا ولدا»

مادر و بزرگی و نیکبختی و پول داری. لیکن در اصطلاح فقهای امامیه در همان معنای نخست یعنی پدر پدر و پدر مادر بکار رفته است، جد در فقه امامیه در موارد متعددی موضوع احکام شرعی قرار گرفته است که عبارتند از: ۱) نفقه جد. ۲) به تملک در آمدن جد، ۳) هبه جد، ۴) وصیت، ۵) سهم جد در ارث، ۶) در قصاص، ۷) ولایت جد. جد به معنای پدر پدر، نیاک و پدر بزرگ، پدر مادر است و در اصطلاح فقهی، فقها گویند: «جد یا صحیح است یا فاسد، جد صحیح شخص، کسی است که در نسبت آن شخص با او مادری نباشد، مانند پدر پدر هر چه که بالا رود، و جد فاسد شخص آنستکه در نسبت او به آن شخص، مادری داخل شده باشد، مثل پدر مادر و پدر پدر مادر و مانند آنها. جد به فتح و تشدید، در لغت به معنای پدر پدر یا پدر مادر آمده است.

۱-۳) تعریف قصاص

قصاص در لغت به معنای پاداش دادن بدین نحو که کشنده را بکشند و ضارب را به ضرب و جراح را به جرح تنبیه کنند) به همان نحو که عمل کرده بود. (محمد، معین، ۱۳۷۱، ص ۲۶۷۹) اما در اصطلاح فقهی، مانند جرم مرتکب شده مجرم را مجازات کردن است. این واژه به معنای مقابله به مثل در جنایت است، اصطلاح فقهی این واژه نیز برگرفته از معنای لغوی آن می باشد که با توجه به موارد آن، کشتن و نقص عضو است؛ قصاص در فقه، کیفری است که به حکم قانون و به وسیله مجنی علیه یا اولیا قانونی او علیه مجرم به کار می رود و باید در حدودی که قانون معین می کند نظیر جرمی باشد که از طرف مجرم صورت گرفته است، پس باید جرم و مجازات شبیه هم باشند. (محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۵۴۵)

۱-۳-۱) شرایط قصاص

۱- تساوی در عقل ۲- تساوی در دین ۳- انتفای رابطه پدر و فرزندی

۱-۳-۲) قصاص حق است یا حکم

حق در لغت به معنای راست و درست، ثابت، ضد باطل، یقین و عدل، نصیب و بهره و ثبوت اسماء خداوند آمده است، در اصطلاح حقوقی، حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می دهد تا مالی مستقیم استفاده کننده یا انتقال مال و انجام کاری را از دیگری بخواهند. در اصطلاح حقوقی اسلام، حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیز یا کسی اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی می تواند در آن چیز یا کس تصرفی نموده یا بهره ای بگیرد. حکم در لغت به معنای امر، قضاء و فرمان، عهده دار شدن، دستور و امر، به کار رفته است.